

این‌المللی خواستار شده است.
وزیر دارائی امریکا
بلندن می‌آید
وادی بیروت انتظار می‌رود
امروز مستر تایدر وزیر دارائی

آقای دکتر بقای تقاضا کرد
رای ایشان بآقای جواد گنجی داد
شود و آقای فولادونه نیز گفت تقاضا
دارم آقایان آراء خود را بپوش بدهند
باقای عباس نراقی بدهند.

مرتب دوم پس از اخذ رای از
۱۱۰ نفر رای دهندگان آقای عباس
نراقی ۵۸ رای داشت بپست نظارت
وزیرخانه اسکناس بانک ملی انتخاب شد.

سؤال از دولت

آقای کشاورز صدر سئوالی
درباره ورود میرمنده و میری که در
افغانستان برای برگرداندن آب در آن
کشور حفر شده از دولت نموده بود
که تقدیم مقام ریاست ننوده.

تصویب اعتبارنامه آقای اسدی

چون آقای عباس اسدی ضمن
نامه ای مقامات خود را با اعتبارنامه
آقای اسدی نایبند مشغول شده
بود لذا باعتبارنامه آقای اسدی رای
گرفته شد تصویب گردید.

اعتبارنامه استعجالی

آقای ناصر ذوالفقاری بنام
مخالفت با اعتبارنامه آقای استعجالی
پس از آنکه پشت تربیون رفت
گفت:

آقای استعجالی جوان تحصیل
کرده هستند و بنده هم برای احترام
نسبت بهر تحصیل کرده ای نیستم
با اعتبارنامه ایشان مخالفت کنم
مگر خداوند و وجدان را گواه
میکرد. که در این مخالفت کوچکترین
غرض شخصی راه نداده ام خود آقای
استعجالی بهتر میدانند که تا قبل از
انتخابات مجلس با ایشان کوچکترین
آشنایی و تماس نداشته ام تا تصور
غرض در این مورد بشود البته لازم
ند که نسبت که معرکه اینجانب در
این مخالفت فقط فقط عشق و علاقه
کامل به حفظ مصالح وطن عزیز خود
امران است.

اینجا مقدسترین محل اجتماع
نمایندگان ملت یعنی عامه مردم است
و هیچکس نباید حتی در مخ خود
حضور دهد که جز از نظر مقام و
حیر عوم باب مسجبتی باز کند یا
سنت اغراض و منافع خاص و نامشروعی
در سینه بگوید.

بنابر این تصمیم گرفتم که با
اعتبارنامه آقای حسن استعجالی
مخالفت کنم و چون این مخالفت را
کمال در شمع ملت ایران آینه آن
تشخیص داده ام توجه عالی نمایندگان
محترم را بیکدیگر مطالب و از این نظر
نه یک وظیفه مقدسی را انجام میدهم
انتظار دارم و او برای ضبطدر سینه
تاریخ هم شده است بمن اجازه بدهند
مرا بشمارا مشروحاً عرض برسانم.

اعتراضات اینجانب نسبت به آقای
استعجالی و در نتیجه نسبت باعتبار
نامه ایشان تحت عنوان زیر تقدیم
میشود:

۱- اعتراض بپیران انتخاب ایشان
از لاهیجان.

۲- اعتراض بصلاحت ایشان.

چنانچه انتخاب آقای استعجالی
آقای استعجالی اهل یکی از
نقاط جنوبی ایران اند و قایل ایشان
در حوزه ساوجبلاغ شهریار است و تا
قبل از شروع انتخابات حتی یکبار
هم بلاهیجان ترفته بودند در آنجا سابق
اقتاد نداشتند تصور اینکه ایشان در
لاهیجان مروفتی داشته اند و علت
انتخاب آن مروفتی مروزی بوده است
خنده آورست. مروفتی یک شخص در
ایران چه وقت پیدا میشود و قتیکه
رسمی در آن مکان اقامت طولانی داشته
باشد یا اینکه بسبب مشاغل و مناسبات
بزرگ مسکنی کسب کرده اند.
آقای استعجالی قبل از انتخاب
و لیل بوده اند وزیر بوده اند، نخست
وزیر بوده اند، استاندار و یافرانند
با حتی بهشتدار و شهردار جاسمی
بوده اند.

منتشر میکرد و سنک عقاید مختلفی
را بینه میزد است آیدایل مروفتی
ایشان آن هم در نزد اهالی لاهیجان
که لا اهل صدی نود آنسان سواد
خواند کتب ساده ابتدائی را ندانند
بوده است.

آیا اگر بنا بود این مروفتی آن هم
جات روزنامه نگاری آن هم یکنوع
روزنامه نگاری ابهام آمیز موجب

انتخاب شود چرا پس اهالی ساوجبلاغ
و در مرتبه دوم اهالی پایتخت که از
نظر شهریه گری یا از لحاظ رشد
فکری آقای استعجالی را بیشتر می
شناختند چنین غنیتی را بپوشیدند!

اگر بنا بود که صرف مروفتی
حاصل از روزنامه نگاری موجب انتخاب
شود الحق در این مملکت روزنامه
نگاران معروف و نویسنده گان و خطیبی
شهر دیگری بودند که بر آقای
استعجالی حق تقدم داشتند

در مرتبه دوم مروفتی ایشان
بافتضالی که پیدا عرض خواهم رسید
یک سوء مروفتی بوده است این چه
مروفتی است که حتی شبهه مربوطه
مجلس که از عده ای و جلال صبیح
تشکیل شده است نتوانسته اند در اطراف
آن تضادات کنند

از شامیرسم مروفتی را که
حتی نایبندگان مطلع در آن تردید
نایبند مروفتی که نتیجه چند صباح
روزنامه نگاری مشکوک بوده و برای
مردم پایتخت نیز قابل فهم نیست چطور
برای یکشت مردم بیسواد و بیچاره
لاهیجان قابل فهم و قابل استقبال
است.

و انکی ایشان سن خود را یا
پشت هم اندازی بالا برده و منته
یکباره پردازی های زیادی هستند که
فلا به جزوای آن وارد نمیشوم
همینقدر عرض میکنم که اهالی لاهیجان
و اصلاحت شال بی اندازه از انتخاب
آقای استعجالی منسوب ناراضی هستند
عدم صلاحیت ایشان تحت عنوان زیر
عرض خواهم رسید:

اقدام بر علیه قانون اساسی و بی
اهمیتی و عدم اعتقاد نسبت بمقامات
مختلفه آن

برای اینکه ذهن نایبندگان محترم
روشن شود قیلاً اجازه فرمایند که چند
سطری از شماره ۳۰ مورخ ۱۴۱۴ را در ۲
روزنامه دارا را قرائت نمایم
«قانون اساسی ایران که یک
قانون کهنه و دارای مواد ارتجاعی و
غیر قابل فهم برای اجتماع کنونی ملت
ایران است بدون تردید باید تغییر
داده شود هنگامیکه بیانه حزب مائیتی
حزب آزادی منتشر شد مطالب آن بقدری
منطقی بود که علاوه بر صحت مورد
مردم اصلاح طلب و آزادخواه توجه
توجه جهانیان نیز قرار گرفت انتشار
این بیانه از آزاد و پاریس و تهر که این
کنکه که تغییر قانون اساسی در ایران
طرفداران زیادی پیدا کرده است
شان میدهد که خارج از محیط ایران
نیز این فکر طرفدارانی پیدا کرده
است.»

باید عرض کنم که شخص وقتی
بنحوی از انصاف و علناً بطریق غیر قابل
انکاری بر علیه اصولی که مورد احترام
و جزء پایه های اساسی آن قوم است
وارد مبارزه خود و کلیات و جزئیات
آن اصول را بخورد و غیر ساخته می کند
مظاهر اصول مزبور را در نظار بوج
خالی از اعتبار و غیر ضروری جلوه دهد
و بر سر زبان ها افتد تصدیق میفرمایند
که چنین شخصی یا چنین اوصاف و
سوابق غیر قابل تردید نباید و نمیتواند
در عین حال و بنحوی از انصاف مجدداً
مدام همان اصول گردد و جزئیات و
کلیاتی را که یکبار باشد در رانده است
با دیگر حسن اقبال نباید.

اگر نخواهیم که خویش را به
افراط در بدینی متصف ساخته باشیم
لااقل باید تئیر روش چنین شخصی را
باشک و تردید تلقی نمایم نه آنکه
بی هماهنگی حفاظت و حراست و تکلم
داری اصول مزبور را در دست شخصی
قرار دهیم که بکرات نسبت چندان
اصولی بی اهتتائی کرده و علناً بر علیه
آن قیام نموده است.

باید بخاطر داشت که وقتی بی
توان تغییر روش چنین شخصی بانظر
اغراض نگار کرد که موضوع چنین
شخصی داشته باشد.

مدعی خصوصی می تواند هر وقت
که بخواهد از حق خود صرف نظر نماید
ولی اینجا مجلس است، مجلسی ملت ایران

مجلسی که بموجب تلق دارد و هر کس
مضار نیست که در مناسبات خود با ملت
ایران از این قبیل ملاحظات خصوصی
را منظور دارد.

آقای حسن استعجالی که اکنون
بنوان حافظ قانون اساسی ایران
برصدنی محافظت اصول مقدسه مزبور
تکیه زده اند، آقای حسن استعجالی نه
امروز خویش را در قالب سیر محافظین
قانون اساسی اینجا جازه اند متاسفانه
روزی باشند وحدت و یرحمی بر فرق
مقدسات قانون اساسی نواخته اند....

روزی کبری بوده اند که بر علیه مظاهر
قانون اساسی آتش روشن میکشیدند و
شعله باطراف او شتاب میگرفتند.
چقدر اشتباه است اگر ما امروز
حضور آقای استعجالی را در بین خودمان
مرومن لطف مجدد و تغییر عقیده ایشان
در باره قانون اساسی کشور بدانیم....

چهره سوانی تاریخی بار می آورد اگر
ما غریب چنین تظاهرات را بخوریم و همان
نگاهداری قانونی را نه مورد بشن ایشان
است بدستشان بسیاریم.... برای ایشان
شک این نعمت پس که برای مخالفت با
قانون اساسی در محله قانونی مصداق
نشده اند.... برای ایشان شکر این اغراض
پس که بجای سکوت در نتج تاریک
زندان هر لحظه بنوا پیشوائی و رهبری
روزنامه نگاری جلوه میکنند.... برای
ایشان و برای ملت ایران از حد تصور
خارج است که این عنصر متلون و مرموز
بخواهد تکیه بر مسند مدرسه و پیکران
نه چایشان را در دره تحصیل و حراست
قانون اساسی نهدند و نه.... برای
ایشان که باب افتاد و حمله قانون
اساسی را با شتابی بی نظیری شایسته
برای اولین بار باز کرده اند بسیار زیاد
است که امروز در بین شما نشینند تا به
ظاهر از پیکری نه از دست خودشان زخم
دیده است بر سترائی نمایند.

دور روزنامه دارا با شون در کتابخانه
مجلس است و برای مراجع و مطالعه همه
آقایان ساینده کان حاضر است.
بنده پسرای اینکه وقت آقایان
نایبندگان محترم را گرفته باشم تنها
بامتراج مطلب مختصری از دوره های
روزنامه مزبور مبادرت کرده ام و ولی
باید دانست که سراسر روزنامه دارا
پانچین افکاری آلوده بوده و از خلل
هرسطی آن بوی مخالفت و تحریک و
اعتراض و انحلال و آشوبگری پشام
میرسد.

آنها که با فن روزنامه نگاری و
مقررات مربوطان آشنائی دارند
می دانند که هیچ مطلبی در هیچ روز
نامه ای نباید نوشته شود مگر آنکه
قیلاً بنظر تصویب مدیر مسئول آن
رسیده باشد آقای روزنامه نگار که
امروز اینجا تشریف دارند میدانند که
مدیران جراید تا چه حد مواظب کنترل
مطالب روزنامه خود میباشند و چه اندازه
مقیده هستند که مطالبی بر علیه لا اقل
تأیلات شخصی خودشان در روزنامه
شان نوشته نشود.... همه می دانند
که مسئول خوب بود هر روز نامه ای چه
از نظر مقررات قانونی و چه از نظر
عرف متداول نویسنده مطالب و شخص
مدیر مشترک هستند و هرگز در هیچ
مرجعی مقرر مدبر مسئول را برای فرار
از عواقب مندرجات روزنامه بقم هر
کس که باشد نمی پذیرند و حقایق باید
پذیرند.

باتوجه باین نکات شرم دارم از
اینکه عرض کنم آقای حسن استعجالی
مدیر مسئول روزنامه دارا و روزنامه
های دیگری بعضی بعضی توفیق بجایی
آن منتشر شده است غیر از مقالاتیکه
بقام خودشان بر علیه قانون اساسی
ایران می نوشته اند اجازه داده اند
دیگران نیز سلسله مقالاتی تحت عنوان
غیره پاشند آقایان اساسی اساس
باید تغییر کنند در چندین شماره مسائل
روزنامه دارا بجای رسانند و خواستار
تغییراتی در همه مظاهر شون قانون
اساسی مانند مجلس و مقام منیم سلطنت
و غیر ذلک شود.

آقای این خنده آور نیست که چنین
عنصری امروز خویش را از روی
تظاهر حامی و محافظ و سیر قانون اساسی
معرفی نماید؟ این توهین را من شخصاً
نمی توانم بپذیرم که یک عنصر خواستار
تغییر قانون اساسی و دامن و مکن این
قانون بنشیند و بر شش ماملت ایران
بنشیند.

با دقت در مطالبی که بعرض رسیده
ملاحظه می شود که جای هیچ نوع دفاع
برای ایشان و هیچ تردیدی برای
نایبندگان محترم باقی نگذاشته است.

مکن است بعضی ها که احتمالا
با ایشان بر سر لطف هستند اینطور
بفرمایند که نامرده بعد تغییر عقیده

داده و اکنون نسبت قانون اساسی و
مقاهر آن مانند مجلس و مقام سلطنت
و نادانند و سوگندهم یاد خواهند کرد
(گرچه ایشان سوگندی هم که قانون
اساسی مقرر کرده است طبق
همان سلسله مقالات میترش هستند)

ولی ماضی ندارد نه مادر خوش باوری
بی اندازه افراط کرده و این مول را
بپذیریم اما قیلاً لازم است قبل از آن
که برای تغییر عقیده ایشان دلیلی
بتراشیم و قبل از آنکه خویش را
تسلیم خوش باوری و سهل انگاری
سازیم لازم است بچرمی که ایشان
مرتکب شده اند رسید لی نایم.
باید ایشان اول بسزای اقدام و
تبلیغ بر علیه قانون اساسی برسدند
تا بعد بوبت هنرخواهی ایشان و اغراض
نایبندگان برسد. این مسخره است نه
مقاتل عسری را این بهانه که بعد از
قتل اظهار ندامت نموده و قول داده
است دیگر آدم نکند... رها کنیم
و بر مسند ضلالت نیز بنشینیم... همه
آدمکشها بعد از قتل اظهار ندامت می
کنند ولی دستک هر دشواری قبل از
هر چیز پوشوج قتل رسید دسی می
کنند نه باظهار ندامت قائل.

مکن است آقای استعجالی
بفرمایند ایشان و حزب آزادی ایشان
تغییر قانون اساسی و لزوم تشکیل مجلس
موسسان را برای حل مسئله آذربایجان
میخواهند. باید از ایشان پرسید که
پس ایجاد ناراضی در بین مردم و ایجاد
حوادث آذربایجان و تحریک بافتش
را در بین ملت بچه منظوری میخوانند
و با حالام نه مندی حفاظت مانون
اساسی را غصب کرده اند در آن عقیده
پافشاری میکنند و آیا برای سالی
بعد خیال ندارند در راه تغییر قانون
اساسی باز زمینه مساعدی برای پیش آمد
های از قبیل پیش آمد آذربایجان
فرام آورند.

بایانکه ایجاد حوادث آذربایجان
و افکار افراطی و لزوم تغییر قانون اساسی
و لزوم تشکیل مجلس موسسان را فقط
و فقط بخاطر تحصیل ساینده لی مجلس
شورای ملی ایران میخوانند.

سال میخوانم مختصری هم راجع به
عدم ثبات ایشان که در روش های
سیاسی و چنانچه داشته اند و با روش
ملکت در لباس های مختلف بازی
کرده اند عرض برسانم.

راجع باین نکته باید عرض کنم
که شخصیت هر کس را از مطالعه در
سوابق او تشخیص میدهند غیر ممکن
است نه در باره اشخاص بدون در
نظر گرفتن سوابق آنان قضایوت
شود.

اگر ما نخواهیم انحرافات و تغییر
روش های بی حد و حصر سیاسی و اجتماعی
اشخاص را بایه و مبتنی نقضات در باره
ایشان بدانیم هم بخود و هم با اجتماع
خیانت کرده ایم.

اگر مخصوصاً برای مسالین نکته
روشن شود که بعضی ها بخصوص روی
مطامع پستی هر روز رنگی و عقیده ای
میدارند و از چنین پیش آید نه چنین
عنصری بخواهند در عین سرشونت
اجتماع بی زل زده ای بیکرند و بوقت
دیگر چشم پوشی و اغراض خیانت در خیانت
است.

اگر مخصوصاً معلوم شود که یک
چون بیست سی ساله از شهریور ۲۰
باین طرف یعنی در عرض شش سال بیش
از آنکه مختلف و ضد و نقیض کاملاً
متباین بخود گرفته و هزار قسم خود
نایب و خود فروشی کرده است دیگر
سهل انگاری و تساموشی خیانت در
خیانت در خیانت است.

اگر نخواهیم بخواهند که چنین عنصری
دست هم از جامه رانده شود....
اگر نخواهیم که او بکنده اینهمه تقصیر
معا که و ادها شود.... و اگر به
عکس اجازه بدهیم که او با تمام این
سوابق عنوان نمایند کی ملت و ما هم
غصب کنان وقت دیگر هوا و بسار
نجات است.

آقای حسن استعجالی که امروز
در لباس نایبند کی مجلس شورای ملی
و با رنگ بسیار آدام و متدل و معاف
کار در گوشه ای لبیده اند در سال ۱۳۲۰
باسم مستعار کزادری برای اولین
مرتبه در روزنامه نوری خود نالایی
کرده آنها که مقالات آن روزها
را خوانده اند مسیوق هستند که صفت
مزیه نوشته های آقای استعجالی حمله
پیشار شد بدقتین و در نتیجه تقصیر
تبلیغات آنان در دوران جنگ بر علیه
آلمان بود. همه می دانند که اگر
مقالات آقای د کزادری از دول معور
مستقیماً حمایت نمیکرد ولی کمک

شایانی بود بتلیفات نازی ها در
ایران.
طولی نکشد که همین آقای
د کزادری با چاپ مقاله ای در روزنامه
مرد امروز و پیشنهاد ورود ایران
در جنگ بر علیه آلمان یک سروصدای
عجیب براف انداخت و این درست در
موقتی بود که هم ایشان و هم سایر
دوراندیشان شکست آلمان را حتی
و نزدیک می دیدند.

پندرج سروصدای آقای د کتر
خواهد تا یکروز معلوم شد که ایشان
سن خود را بالا برده و امتیاز روزنامه
ای بنام دارا گرفته اند... از همین
روهای اول مقالات ایشان راجع به
نفت یا کزادهای مخصوص جلب توجه
و دقت لشیکاران و اهل فن را میکرد
و کتر شماره ای بود که ایشان موضوع
نفت اشاره ای نکنند.

کسی چه میداند شاید ایشان
بقول یکی از نوشته های خودشان از
همان موقع خطرانی را که برای ایران
پیش میامد میدانستند و اطلاع داشتند
و همانطور که در شماره ۲۷۲ در باضمین
تصدیق اینکه مردم نیز درباره روش
روزنامه ایشان مشکوک هستند توضیح
داده اند که بیست روز قبل از پیدا شدن
موضوع نفت جاور و جنجال بر پا کرده و
انتقار شرت در یک جنجال بین المللی
را بدست آورده است. فلا نیز
نایبندگان محترم اطلاع دارند که در ادو
های یکباره بهمان قبیل انتشارات استناد
میکند. اگر دوره روزنامه دارا را از
روز اول انتشار تا روزی که ایشان به
حزب دمکرات ایران پیوستند مورد
مطالعه دقیق قرار دهیم چندین مرحله
مختلف و متضاد در افکار و عقایدشان
ببینی مشخص خواهیم داد.

تشیه داره

چون جریان مجلس امروز خیلی
مفصل بود ناچار دنباله نطق آقای
ذوالفقاری و صورت مشروح مذاکرات
سایر نایبندگان موافق و مخالف را بفرما
مو لول می نمایم.

اما خلاصه جریان امروز این بود:
پس از پایان بیانات آقای ناصر
ذوالفقاری، آقای عباس اسکندری
بشت تربیون رفت و از آقای اورجانی
دفاع کرد.

آنگاه آقای نورالدین امامی
خوبی بیاناتی بر علیه صلاحیت آقای
استعجالی برای نایبندگی مجلس و
اعتراض بر جریان خلاف قانون انتخاب
ایشان از لاهیجان ایراد کرد. آقای
ملک الشمرای بهار، در ردیف از آقای
استعجالی پشت تربیون رفت و در
طی نطق مشروح خود که فردا چاپ
می شود گفت: اظهاراتی که آقای
ذوالفقاری کردند اینطور نشان میدهد
نه امروز در ایران ارتجاع می خواهد
از آزادی انتقام بگیرد. این بیان ایشان
و همچنین اظهاری که خطاب بنایندگان
کرده و گفت چنانچه آقایان نایبندگان
دست باین قبیل تعصبات زده و
احساسات را در مسائل ملیتکی دخالت
دهند یک پیشه وری دیگر بی وجود
خواهد آمد، سبب بروز تشنج بسیار
شدیدی در مجلس شد.

بطوریکه عده ای از آقایان نایبندگان
آذربایجان و سایرین فریاد زده آقای
بهار گفتند: شما مجلس را تهدید
میکنید و مارا با پیاد یک پیشه وری
دیگر میترسانید.

چون دوساعت از ظهر میگذشت
و آقایان د کتر میپندید و شادلو قصد
داشتند بنام مخالف صحبت کنند
و آقای استعجالی نیز میخواست از
اعتبارنامه خود دفاع کند و وقت کافی
نمود، جلسه پیشنهاد آقای سزوار
ختم شد و قرار شد جلسه آینده که
قبل از ظهر روز ۵ شنبه تشکیل میشود
آقایانیکه اجازه خواسته اند صحبت
کنند بجه رای گرفته شود.

صاحب تیار وزیر مسئول: عباس دی

سرور: محمد علی سعیدی

در قاتل دارالفنون

بناسبت سال در گذشت شاهر
آزاد فکر و بلند پایه مرحوم تقی بیشت
آقای اولی روز پنجشنبه ۱۹ شهریور
از ساعت ۶ بعد از ظهر مجلس یادبودی
در تالار دارالفنون از طرف کیسیون
ادبی فرهنگستان ترتیب داده شده
و آقای احمد اشتری رئیس کیسیون
نامبرده از رجال و ادبا و استادان
و علائقندان آن مرحوم دعوت کرده اند
که در این مجلس یادبود حضور
بجهری ستانند.

در قاتل دارالفنون

بناسبت سال در گذشت شاهر
آزاد فکر و بلند پایه مرحوم تقی بیشت
آقای اولی روز پنجشنبه ۱۹ شهریور
از ساعت ۶ بعد از ظهر مجلس یادبودی
در تالار دارالفنون از طرف کیسیون
ادبی فرهنگستان ترتیب داده شده
و آقای احمد اشتری رئیس کیسیون
نامبرده از رجال و ادبا و استادان
و علائقندان آن مرحوم دعوت کرده اند
که در این مجلس یادبود حضور
بجهری ستانند.

بناسبت سال در گذشت شاهر
آزاد فکر و بلند پایه مرحوم تقی بیشت
آقای اولی روز پنجشنبه ۱۹ شهریور
از ساعت ۶ بعد از ظهر مجلس یادبودی
در تالار دارالفنون از طرف کیسیون
ادبی فرهنگستان ترتیب داده شده
و آقای احمد اشتری رئیس کیسیون
نامبرده از رجال و ادبا و استادان
و علائقندان آن مرحوم دعوت کرده اند
که در این مجلس یادبود حضور
بجهری ستانند.

خبرهای کشور

تشیه از صفحه سوم

امروز صاحبان اتوبوسهای
خط ۱۵ اعتصاب نمودند
ساحبان اتوبوسهای خط ۱۵ امروز
اعتصاب کرده دست از کار کشیده
بودند.

علت اعتصاب را اینطور اظهار می
کنند که چون بعضی از خیابانهای
مسیر این خط اسفالت نشده آمد و
رفت اتوبوسها در این خیابانها
تولید کرد و خاک نموده و مسرعی
ببهارستان شماره ۳ را که در مسیر این
خط واقع میباشد از دست مینماید. عده
از رانندگان اتوبوسهای خود را
مقابل اداره راهنمایی و رانندگی
آورده و تقاضای رسیدنی موضوع را
داشتند.

امور غله و نان کشور

پیش از ظهر امروز آقای نشت
وزیر آقای پیرزاده دبیر کل غله و نان
را بخاک بیلای وزارت خارجه احضار
نموده و پس از استحضار از وضع غله
و نان کشور دستورات لازم در اطراف
امور غله و نان کشور صادر نمودند.

انتصابات بهداری

آقای د کتر نورالدین پرشکی
بپست پزشک بیمارستان بولی منصوب
گردیدند.
آقای د کتر عزت الله صیری
رئیس پیشین بهداری خنیر بپست
بیمارستان عیله شاه عوض منصوب
گردیدند.

بازگشت از آمریکا

آقای د کتر حسین سامی راد
رئیس استاد آموزشگاه بهداشت
مشهد و رئیس بیمارستان شاهرخا را
برای شرکت در کنفرانس بین المللی
بیماریهای کودکان و کنفرانس بین المللی
صلیب سرخ با آمریکا عزیت نموده
بودند. تهران مراجعت نموده و مشغول
تنظیم گزارش حملات و اقدامات خود
در این مسافرت میباشد.

آمار زندانیان

از شهربانی کل کشور اطلاع
میدهند بموجب گزارش اداره زندان
در تیره اول شهریور ماه پانصد و سیزده
نفر زندانی از زندان مرخص و خارج
گردیده و در طی همین مدت نیز
۶۰۳ نفر با تمام جرائم مختلفه زندان
تحویل و بازداشت شده اند.

رانندگان مختلف

از شهربانی کل کشور اطلاع
میدهند که در تاریخ ۱۶ شهریور ۹۹
نفر راننده و هاگرد راننده مختلف
از مقررات راهنمایی و رانندگی کی
طرف مامورین مربوطه شهربانی
بدادگاه اهزام و تحت تعقیب قرار
گرفته اند.

رئیس سابق شهر بانی رضائیه
بدوسال زندان محکوم

شده است

آقای سرکنند داروغه رئیس سابق
شهربانی رضائیه که بچرم سستی در انجام
وظیفه و همکاری با متجاسرین در دادگاه
زمان جنگ تحت تعقیب و معافیه قرار
گرفته بود بموجب رای دادگاه پانصد
سال زندانی محکوم گردیده است.
سرکنند داروغه و دادستان هر دو از
رای صادره تقاضای تجدید نظر نموده اند.

چشن در نیروی دریائی شمال
بندر پهلوی ۱۵ ساعت ۱۸ دیروز
چشن سردوشی ناویان وظیفه نیروی
دریائی شاهرخا شمال در سربازخانه
میان پشته برپا بود. آقایان سر ترب
مجلسی و استاندار و سایر افسران
بحری و لشکری و رؤساء ادارات
و عموم اهالی در آن چشن که از طرف
فرمانده نیروی دریائی برپا شده بود
شرکت داشتند و در ضمن نمایش جالب
توجه پرچم از طرف افراد نظامی داده
شد.

تصادفات

ساعت شش بعد از ظهر دیروز
اتوبوس شماره ۶۷ خط شهری در
جاده شهری نزدیک حسین آباد به
کارگری ۶۰ ساله بنام عباسعلی تصادف
نموده و او را مجروح نمیدانند.

ساعت ۸ بعد از ظهر دیروز
اتوبوس باری ۱۸۹۹ با دانه برانندگی
حسین صالعی در خیابان سیروس بطل
چهارده ساله تصادف نموده و طفل را
ببختی مجروح میازده راننده کان تحت
تعقیب و مجروحین در بیمارستان برای
معالجه بستری شده اند.